

سال دوم

جلسه ۹۴

سال تحصیلی ۹۰ - ۹۱

۹۱ / ۲ / ۱۱ یکشنبه

بحث سوم:



دو قول اصلی پیرامون هیأت های اخباری

قول اول

همه هیأت های دارای وضع یکسان است

۳. نظریه آیت الله فیاض
و آیت الله وحید

۳. نظریه محقق
عراقی

۲. نظریه مرحوم
خویی

۱. نظریه مشهور

قول دوم

همه هیأت های دارای وضع یکسان نیست

۱. نظریه
حضرت امام

اولا

ما می گوئیم

ملاک «احتمال صدق و کذب» و «تبدیل شدن کلام به خبر» از نظر امام :

«نسبت کلامی» نیست

بلکه «حکایت از عالم نفس الأمر» است

نکته :

نفس نسبت کلامی، حکایت از نفس الأمر نمی کند

به عبارت دیگر :

خبر ناشی از جزء چهارم کلام یعنی «حکایت تصدیقیه» است

ثانیا

ما می گوئیم

اگر بگوئیم :

اجزاء قضایای لفظیه باید طابق النعل بالنعل با خارج یکی باشد (نظر حضرت امام)

در این صورت :

نسبت نمی تواند باعث پیدایش خبر باشد، بلکه «خبر شدن» ناشی از «هیأت» است که حکایت تصدیقیه است.

**

اگر بگوئیم :

تطابق قضیه لفظیه با عالم خارج لازم نیست و اساساً نسبت تامه و ناقصه کلامی حاکی از وجود رابط خارجی هم نیستند

در این صورت :

هیأت جمله خبری، چیزی جز نسبت تامه کلامی نیست کما اینکه هیأت های ناقصه هم عین نسبت های ناقصه کلامی هستند) و چون حکایت می کند از نفس الأمر، دلالت تصدیقیه دارد.

ثالثا

ما می گوئیم

طبق مبنای مختار:

هیأت خبری همان نسبت تامه کلامی است

که وضع شده تا از «اتحاد وجودی موضوع و محمول» در خارج حکایت کند.
اگر در عالم خارج چنین وجود واحدی بود قضیه صادق است و إلا کاذب است.

در قضایای سالبه، نسبت تامه کلامی وضع شده

تا از «عدم اتحاد وجودی موضوع و محمول» حکایت کند

اگر در خارج اتحادی وجودی نیست، قضیه سالبه، صادق است و إلا کاذب است

رابعاً

ما می گوئیم

طبق مبنای مختار:

دلالت تصدیقیه ، ناشی از «همین نسبت تامه کلامی» است

خامساً

ما می گوئیم

حکم جملات «اسمیه فعلیه المحمول» و جملات فعلیه :
موکول است به شناخت وضع در افعال که آن هم تابعی از بحث مشتق است

مرکبات ناقصه

هیأت مرکبات ناقصه :

همان نسبت ناقصه کلامی است و از نسبت بین دو طبیعت حکایت می کند .
اما هیچ نحوه حکایتی از تحقق نفس الأمری آن نسبت ندارد